

واکاوی تأثیر متقابل نظام اداری و ساختار قدرت در دوره امویان و مقایسه آن با عصر اول عباسی

محبوبه فرخنده‌زاده*

لیلا نجفیان رضوی**

چکیده

نهاد اداری به‌عنوان یکی از ملزومات تداوم ساختار سیاسی حکومت، در تثبیت اقتدار خلافت اموی و عباسی (عصر اول) نقش داشته است. با توجه به تکوین نظام اداری در دوره اموی و استمرار قدرت بنی‌امیه تا حدود یک قرن و نیز تکامل این نظام در دوره عباسی، پژوهش حاضر به واکاوی نقش، تأثیر و رابطه متقابل دیوان‌سالاری و اقتدار سیاسی در استمرار قدرت خلافت اموی و عباسی می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مفهوم اقتدار سنتی وبر انجام شده است، نشان می‌دهد که حکومت اموی با الگوبرداری از نظام اداری امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس، مشخصات پاتریمونالیسم یافت، اما مشکلات داخلی، اختلاف‌های مذهبی و نابرابری اجتماعی از موانع عمده ارتقای دیوان‌سالاری در این دوره بود. در حالی که حکومت عباسی با اقتدار خلیفه، تقسیم وظایف، گسترش دواوین، تمرکز نظام اداری و کنترل دیوانسالاران توسعه یافت؛ شیوه حکومتی‌ای که وبر آن را نظام پاتریمونالیسم - بوروکراتیک نامیده است.

واژگان کلیدی

دیوان‌سالاری، ساختار سیاسی، خلافت اموی، خلافت عباسی، اقتدار سنتی.

farkhondehzadeh@um.ir

najafian@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۳۰

*. استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد.

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵

طرح مسئله

با آغاز فتوح، افزایش چشمگیر درآمدهای حکومت مرکزی، لزوم وجود مقرراتی برای ثبت و ضبط درآمدها و موارد استفاده از منابع مالی؛ نه تنها نخستین دیوان در سال‌های پایانی دهه دوم تأسیس حکومت اسلامی در مرکز خلافت مسلمانان ایجاد شد، بلکه به دستور عمر بن خطاب، از اسیران^۱ و نیز شیوه‌های ملل مغلوب^۲ در اداره بهتر سرزمین‌های مفتوحه و انجام امور اداری هر منطقه بهره گرفته شد. کمی بعد و در دوران قدرتیابی امویان، متناسب با گسترش قلمرو اسلامی و احساس نیاز حکومت مرکزی به ایجاد نظم و نیز کنترل بخش‌های مختلف ممالک مفتوحه، دیوانسالاری گسترش یافت.^۳ خلفای اموی با تقلید از سنت‌های بیزانسی و الهام از امور دیوانی ساسانیان و نیز بهره‌گیری از نخبگان این امور در سرزمین‌های فتح شده، پایه‌های قدرت خود را استحکام بخشیدند، امری که در دوران خلافت عباسیان نیز ادامه یافت.^۴

علاوه بر آنچه از خلال مطالعه گزارش‌های تاریخی حاصل می‌شود، جامعه‌شناسان و پژوهشگران علوم اجتماعی نیز به تأثیر متقابل بوروکراسی و دوام و استمرار قدرت حکومت‌ها اشاره نموده‌اند و گاه با تجزیه و تحلیل ساختارهای قدرت، به توصیف ساختارهای بوروکراتیک پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه وبر بر این نکته تأکید دارد که اعمال سیاست بر افراد مستلزم کنترل به وسیله سازمان

۱. طبری ذیل حوادث سال ۱۷ هجری آورده است: «عمر به عاملان مرزها در کوفه نوشت از اسیران کمک بگیرند و در صورت همراهی، جزیه از ایشان برداشته شود». (طبری، *تاریخ الرسل والملوک*، ج ۴، ص ۴۹)
۲. یعقوبی، *التاریخ*، ج ۲، ص ۱۵۳؛ بلاذری، *فتوح البلدان و أحكامها*، ص ۴۹۳؛ جهشیاری، *الوزراء و الکتاب*، ص ۱۶؛ ماوردی، *احکام السلطانیة*، ص ۲۴۹.
۳. در دوره امویان دیوان‌هایی چون دیوان برید، جند، خاتم، خراج، رسائل، طراز، صدقات، مستغلات و نفقات تأسیس شدند. (بنگرید به: عمری، *التعریف بالمصطلح الشریف*، ص ۲۳۹؛ ابن طقطقی، *الفخری فی آداب السلطانیة*، ص ۱۰۶؛ ماوردی، *احکام السلطانیة*، ص ۲۵۲؛ یعقوبی، *التاریخ*، ج ۲، ص ۲۳۴؛ بلاذری، *فتوح البلدان و أحكامها*، ص ۵۰۸؛ جهشیاری، *الوزراء و الکتاب*، ص ۳۰، ۴۷ و ۴۹).
۴. در منابع آمده است که در ولایت فارس خاندان‌های اداری و ادبا، بعد از صلح با اعراب، اداره دواوین را تا سده سوم هجری برعهده داشتند. (اصطخری، *مسالک الممالک*، ص ۱۴۵ و ۱۴۸ - ۱۴۷؛ ابن حوقل، *مسالک الممالک*، ص ۲۹۴ - ۲۹۳) دنت نیز این نکته را خاطر نشان کرده است که در ناحیه سواد عراق عملی که از طرف اعراب به جمع‌آوری مالیات می‌پرداختند، همان بقایای اشراف و طبقه دهاقین بودند. این عده کمک بزرگی به تشکیل دیوان‌ها کردند و جدا از امر جمع‌آوری عواید، در تنظیم مخارج و مواجب سپاهیان نیز نقش مهمی داشتند. (دنت، *مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام*، ص ۴۵) طبری نیز نقل کرده قبیله بنی‌تمیم به والی اموی خود درخصوص دریافت مالیات توسط دهقانان ایرانی اعتراض داشتند. (بنگرید به: طبری، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۶ ص ۳۱۶)

اداری است. از نظر وبر نظام اداری بر ساختار قدرت تأثیر بسزایی دارد و از طرفی بوروکراسی بایستی تابع یک کنترل سیاسی نیرومند باشد. او معتقد است که وجود رهبری قدرتمند ضروری است تا از خودمختاری بوروکراسی جلوگیری کرده و اجازه ندهد تا نظام اداری با منافع اقتصادی درگیر شود.^۱ این موضع گیری ماکس وبر از آن جهت است که او دیوانسالاری را نوعی ابزار اعمال قدرت و اداره حکومت می‌داند که می‌تواند در اختیار تأمین منافع گوناگون قرار گیرد.^۲ با وجود وحدت نظر در خصوص رابطه نظام اداری با ساختار قدرت و نقش امویان در گسترش دیوانسالاری در تمدن اسلامی، از خلال گزارش‌های انبوه موجود در خصوص دوران خلافت این پیش‌گامان در ایجاد و بهره‌گیری از بوروکراسی، می‌توان گفت که سازمان اداری موجود در دوره حکومت امویان در استمرار قدرت این خاندان تأثیر چشمگیری نداشته است. بنابراین می‌توان پرسید که تأثیر نظام اداری و تشکیلات دیوانی در ساختار سیاسی و ارتباط متقابل آن با ساختار قدرت در دوره امویان چگونه بوده است و چه تفاوت‌هایی را می‌توان در خصوص این تأثیر در دوره اموی در مقایسه با عصر اول عباسی برشمرد؟ با وجود آنکه ابعاد مختلف تمدنی خلافت امویان و بنی عباس همچون تمدن اسلامی در عصر امویان،^۳ حضاره العرب فی العصر الاموی،^۴ بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان^۵ و تمدن اسلامی در عصر عباسیان^۶ مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته است، با این حال تاکنون پژوهش مستقلی بر روی مسئله طرح شده در این مقاله صورت نگرفته و هیچ‌گونه کار مشابهی در این زمینه انجام نشده است.

از آنجایی که دیوانسالاری رابطه مهمی با نهاد سیاسی و ساختار قدرت داشته و حکومت نقش مهمی در گسترش تشکیلات اداری دارد؛ بنابراین پژوهش حاضر بر آن است تا به تحلیل و واکاوی توسعه و تأثیر متقابل دیوانسالاری (بوروکراسی) و ساختار سیاسی در اقتدار حکومت‌های اموی و عباسی با رویکردی جامعه‌شناختی بپردازد. از آنجایی که نظریه بوروکراسی ماکس وبر به عنوان مفهوم ناظر بر تحلیل ساختارهای سیاسی جوامع سنتی، به عنوان نظریه‌ای استاندارد در نظریه دیوانسالاری است؛ در این مطالعه مبنای قرار گرفته شده است که در ادامه به اختصار به آن پرداخته می‌شود.

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۲۶۴ - ۲۶۰؛ ترنر، وبر و اسلام، ص ۲۲۳ به بعد.

۲. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۹.

۳. سپهری، تمدن اسلامی در عصر امویان.

۴. الحاج حسن، حضاره العرب فی العصر الاموی.

۵. اجتهادی، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان.

۶. مکی، تمدن اسلامی در عصر عباسیان.

روش‌شناسی ماکس وبر

جامعه‌شناسی سیاسی وبر مبتنی بر مشروعیت و سیادت است. مشروعیت، پذیرش قدرت حاکم از سوی افراد جامعه و سیادت به معنای اعمال قدرت است.^۱ از دیدگاه وبر دعاوی مشروعیت (اقتدار) بر سه نوع کلی‌اند: قانونی - عقلانی، عقلانی (بوروکراتیک)،^۲ کاریزماتیک^۳ (فرهمند) و سنتی.^۴ به نظر وی اگر سیادت مبتنی بر باورها و روابط و ارزش‌های سنتی باشد، سیادتی سنتی است. در میان انواع سه‌گانه حاکمیت (سلطه) در اندیشه وبر، سلطه (اقتدار) سنتی از مهم‌ترین آنهاست. ریشه این حاکمیت در ریاست سرکرده خاندان بر اعضای آن قرار دارد که همان نظام پدرسالاری است. در سلطه سنتی منشأ اقتدار، عادات و سنت است و تعیین رهبر نیز براساس سنت می‌باشد. در این نوع از سلطه، اعتقاد به قواعد قراردادی^۵ یا اعتبار موقعیت و مقامی که به پشتوانه سنت ایجاد شده است، سبب می‌شود که پیروان از رهبر پیروی کنند.^۶ اقتدار سنتی در اصل متشکل از نظام‌های سالمندسالاری،^۷ پدرسالاری (پاتریارکال)،^۸ پاتریمونیا^۹ است.

نظام پدرسالاری منشأ و شکل اولیه نظام پاتریمونیا^۹ و فئودالیسم هم نظام سیاسی شکل گرفته از تقسیم و تجزیه نظام پاتریمونیا^۹ است. نخستین ملاک برای نمونه‌شناسی نظام‌های متفاوت سنتی، وجود یا عدم سازمان اداری است. بدین ترتیب نظام‌های سالمندسالاری و پدرسالاری دو نمونه از نظام‌های سنتی‌اند که فاقد سازمان اداری بوده و نظام‌های «پاتریمونیا^۹» و «فئودالیسم» که در تاریخ سازمان‌های سیاسی اهمیت بسیار داشتند، دارای سازمان اداری بوده‌اند.^{۱۰} در این بین نظام پاتریمونیا^۹ گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین نوع سلطه سنتی است که اساس و مبنای حاکمیت آن می‌باشد. پاتریمونیا^۹ یا سلطه موروثی صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که قدرت از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌شود. ترنز از شارحان آثار وبر، در شرح فرایند تبدیل نظام پدرشاهی به پاتریمونیا^۹ چنین می‌نویسد:

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۱۴.

2. Bureaucratic.
3. Charisma.
4. Traditional.
5. Stipulated.

۶. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۶۴؛ بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۲۱.

7. Gerontocracy.
8. Patriarchal.
9. Patrimonial.

۱۰. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۱ - ۸۰؛ بندیکس، سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۸.

پدرشاهی، که شکل سنتی و ابتدایی تری نسبت به پاتریمونیا لیزم دارد، مبین سلطه یک ارباب یا خان بر عشیره خود است. ستاد اداری چنین ساخت قدرتی مستقیماً از خانواده گسترده رئیس طایفه گمارده می‌شوند، اما به هنگام گسترش نقش‌ها و وظایف دیوانی، اعضای دودمان حاکم برای اداره امور به تنهایی کفایت نمی‌کنند، لذا حاکم پاتریمونیا لیزم ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان به درون دستگاه دیوانی خود می‌شود که مناصب نظامی و اداری را اشغال می‌کنند؛ از اینجاست که پدرشاهی به سلطه موروثی بدل می‌شود.^۱

نظام سیاسی پاتریمونیا لیزم به لحاظ ساختاری خود دارای انواع و گرایش‌هایی است که وبر آن را در عرصه تاریخی و مطابق با واقعیات تاریخی مورد مطالعه قرار داده است. نظام سیاسی پاتریمونیا لیزم - بوروکراتیک، متشکل از دو مفهوم متضاد پاتریمونیا لیزم به عنوان نظام سنتی شخصی و بوروکراتیک به عنوان نظام عقلانی غیرشخصی می‌باشد.^۲ این نوع نظام‌ها ابتدا در ساختار شخصی و ابتدایی نظام پدرسالاری ریشه داشته‌اند، اما به تدریج با گسترش قلمرو و پیچیده شدن تشکیلات اداری و سیاسی، مشخصات بوروکراتیک گرفته به گونه‌ای که با تشکیلات بوروکراتیک مدرن شباهت می‌یابند، اما با آن نظام‌ها تفاوت ماهوی دارند. نظام پاتریمونیا لیزم - بوروکراتیک پیش از نظام بوروکراتیک مدرن، پیشرفته‌ترین نظام‌های سیاسی - اداری بوده، اما خودکامگی، استبداد، خاندانی بودن یک نظام سیاسی و سنتی بودن ساختارها و سیاست‌های اعمال شده آن، به عنوان مبانی نظام پاتریمونیا لیزم است.^۳

حکومت امویان

تشکیل خلافت اموی نقطه آغاز شکل‌گیری نظام سیاسی مبتنی بر پاتریمونیا لیزم بود که مشروعیت قدرت خود را از قدرت حاکم (خلیفه) گرفت. به این ترتیب پاتریارکالیزم قبیله‌ای عرب به نظام پاتریمونیا لیزم عربی تبدیل شد. انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی اعراب و خاصه خلفای اموی عامل اصلی گسترش حدود قلمرو اسلامی در دوران قدرت این خاندان بود. این فتوح در کوتاه مدت، غنایم و موقعیت‌های اقتصادی فراوانی را برای حکومت مرکزی به ارمغان آورد.

۱. ترنر، وبر و اسلام، ص ۱۵۸.

۲. همان، ص ۱۵۶.

۳. در مبحث نظام اداری و تشکیلات دیوانسالاری عباسیان که در ادامه خواهد آمد، بسط این بخش از نظریه وبر آمده است. همان‌طور که در ادامه به فراخور نیاز به بخش‌های دیگری از این نظریه اشاره شده است.

گسترش قلمرو و دل مشغولی خلفای اموی برای توجیه مشروعیت اقتدار، آنها را ملزم کرد تا به منظور اعمال سیادت و اداره هرچه بهتر حکومت، تشکیلات حکومتی را ارتقا دهند؛ زیرا همان گونه که وبر اشاره می‌کند، معمولاً اعمال سیادت بر افراد مستلزم کنترل به وسیله یک سازمان اداری است؛ یعنی وجود گروه قابل اعتماد معینی از اشخاص که بیشتر به انجام سلطه و فرمان‌های مشخص حاکم معطوف باشد.^۱

عوامل توسعه، تکامل و تداوم سازمان اداری

۱. نظام سیاسی

تکوین و گسترش دیوانسالاری با پیدایش و توسعه حکومت ارتباطی تنگاتنگ دارد و بدون دگرگونی ساختار سنتی جامعه، توسعه دیوانسالاری امکان‌پذیر نیست. تشکیل حکومت قدرتمند، به عنوان نخستین گام از عوامل تأثیرگذار بر کارکرد سازمان اداری است، اما نظام اداری برای استمرار و گسترش نیاز به پیش‌شرط‌های دیگر دارد. در تحلیل و توضیح فرایند بوروکراسی، وبر نیز نخستین شرط اساسی بوروکراتیزه شدن را گسترش کمی وظایف اداری دانسته که در حیطه سیاست، وجود حکومت قوی زمینه بوروکراتیزه شدن را فراهم می‌کند.

خلفای اموی با تکیه بر کرسی سلطنت، ساختار مدیریت جامعه پدرسالار عرب را به نظام سلطنت تبدیل کردند و این نخستین گام شکل‌گیری بوروکراسی اموی بود. تحلیل و بررسی دلایل تاریخی - اداری و نظری که زمینه‌ساز بوروکراتیزه شدن سازمان اداری حکومت اموی را فراهم کرده بود، حاکی از آن است که پیش‌شرط‌ها و متغیرهایی که برای تکامل و گسترش نظام اداری ضروری بود، در نظام سیاسی امویان با محدودیت همراه بوده است.

قلمرو پهناور خلافت اموی، تشکیلات بزرگ، منسجم، منظم و مقتدری را می‌طلبید که امور سیاسی، اقتصادی و مالی را اداره نماید. سرعت‌گیری تشکیل دواوین در دوره اموی متناسب با این نیاز بود، اما در همین دوران درگیری مردم غیرعرب با حکام محلی عرب نژاد، شورش‌های پی در پی آنها و بیرون کردن والیان مسلمان از نواحی متصرفه به مانعی جدی در راه تحقق این هدف امیران اموی و حکومت‌گران شامی تبدیل شده بود. چنان‌که با توجه به گزارش‌های تاریخی، مناطقی چون ماوراءالنهر و شمال آفریقا چندین بار فتح شد.^۲

وضعیت متزلزل والیان عرب در این مناطق و عدم ثبات وضعیت این نواحی سبب گردید

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۰۲.

۲. برای آگاهی رجوع شود: طبری، تاریخ الرسل والملوک، ج ۵، وقایع سال ۶۴ ق؛ همان، ج ۶، وقایع سال ۸۰ به بعد.

که امرای اموی مجال و فرصتی برای ایجاد ساختار اداری و دیوانسالاری منظم و قدرتمند نداشته باشند. البته درگیری‌های داخلی سردمداران حاکمیت در دمشق و کشمکش‌های قبایل عرب در حوزه حکومت با یکدیگر - که ضعف قدرت خلفای اموی را به دنبال داشت - نیز مزید علت بود.

۲. عوامل فرهنگی - تمدنی

در روند آغازین حکومت سیاسی پاتریمونیال، حاکم با کمک خاندان خود و مشارکت متنفذین و صاحبان قدرت از حکومت‌های محلی، زمینه را برای شکل‌گیری سازمان اداری - سیاسی پاتریمونیال به وجود می‌آورد تا بتواند وظایف و مسئولیت‌های آن را اداره کند. در نظام اداری شکل گرفته به سبب ضرورت و نیازهای جدید نظام اداری حکومت پاتریمونیال و تداوم و پیچیدگی فزاینده امور اداری، مشاغل جدید به وجود می‌آید: حوزه اداری مربوط به دبیری، منشی‌گری و سلسله مراتب آن به شکلی که خاندان سنتی بدون وجود آنها از ثبات و قدرت لازم برخوردار نیست.^۱

علاوه بر آن از نکات مهمی که وبر در نظام بوروکراسی به آن اشاره می‌کند، استمرار و تداوم دیوانسالاری (بوروکراسی) است که حتی با وجود تغییر نظام‌های سیاسی، وقوع انقلاب و دگرگونی‌های مهم در جامعه تداوم می‌یابد. بررسی سیر تاریخی دیوانسالاری جوامع شرقی و اسلامی نیز مؤید این مدعاست.^۲

اعراب پس از تسلط بر قلمرو امپراتوری‌های ساسانی و بیزانس از دستگاه اداری‌شان تقلید کردند و اداره حکومت خود را به سبک حکومت‌های ساسانی و بیزانس درآوردند. این شیوه کم و بیش در دوره‌های مختلف تداوم یافت و تشکیلات اداری بسته به نیرومندی یا ضعف نظام سیاسی و اقتصاد جامعه، گسترده و یا محدودتر شد. اعراب به خوبی برتری عناصر غیرعرب در نویسندگی را دریافته بودند و به همین دلیل دیوان در هر منطقه توسط دبیران و کارکنان محلی همان منطقه اداره می‌شد.^۳ علاوه بر موارد یاد شده به سبب پیوندهای اجتماعی و آگاهی مردم محلی بر زبان مورد

۱. وبر، *اقتصاد و جامعه*، ص ۴۱۴. در کنار تکامل کمی وظایف اداری، گسترش کیفی و توسعه وظایف سازمان همچنین روند بوروکراتیزه شدن را تشدید می‌کند. ارتش دائمی، پیچیده‌تر شدن امور تمدنی از جمله نیاز فزاینده نظام‌های سیاسی به سازمان اداری است. ارتباطات و وسایل ارتباطی هم از عوامل گسترش نظام اداری‌اند.

۲. صبوری، *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*، ص ۱۲.

۳. به نوشته جهشیری: «ابوزرعه روح بن زنباع الجذامی از کاتبان عبدالملک اموی بود، خلیفه درباره وی گفته بود که ابوزرعه در امانت، شامی، در بخت، عراقی، در فقه، حجازی و در کتابت، فارسی است». (جهشیری، *الوزراء و*

الکتاب، ص ۳۵، ۴۰ و ۴۹؛ فرای، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ص ۸۷)

استفاده در دیوان‌ها، آنها بیشتر از مسلمانان برای انجام کارهای مختلف اداری توانایی داشتند.^۱ این بدان معناست که با تشکیل و گسترش نظام سیاسی پاتریمونیالیسم اموی و گسترش نقش‌ها و وظایف دیوانی، ضرورت داشتن تخصص و توانایی برای اداره حکومت بیشتر برجسته شد، اما اعراب با فن نویسندگی، امور اداری - دیوانی، روش مملکت‌داری و تشکیلات نظامی‌ای که لازمه اداره امپراتوری پهناورشان بود آشنایی نداشتند و از روش‌هایی که اداره چنین حکومتی را می‌طلبید، نیز بی‌بهره بودند.^۲ علاوه بر بیگانگی عرب به امر سیاست و امور تشکیلاتی، دشواری رسیدگی به دیوان‌ها نیز در این امر تأثیر داشت.^۳ به این ترتیب اعضای دودمان حاکم برای اداره امور به‌تنهایی کفایت نمی‌کردند و حاکم پاتریمونیال اموی ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان در دستگاه دیوانی خود بود تا مناصب نظامی و اداری را به آنها واگذار نماید و این همان امری است که ترنر در شرح آرای وبر به آن اشاره می‌نماید.^۴

نکته دیگری که درخور توجه است، آن است که در نظام پاتریمونیالیسم اموی با تأسیس دواوین اداری و افزایش درآمدهای حکومت به تدریج طبقه دبیران کانون توجه واقع شد. با وجود اهمیت و نقش دبیران در اداره امور مملکت، عرب نگاه مثبتی به این پیشه نداشت. در واقع مسلمانان عرب سر و کار داشتن با قلم و مشاغل مرتبط با آن را دون شأن خود دانسته و در نگاه آنها شمشیر جایگاهی برتر از قلم داشت.^۵ با توجه به جایگاه، مقام و سهم دبیران در توسعه و تکامل نظام سیاسی - اداری پاتریمونیال که با گسترش تقسیم کار، ازدیاد مکتوبات و ایجاد سلسله مراتب اداری، خصوصیات دیوانسالارانه به خود می‌گیرد؛^۶ طبقه دبیران در ساختار سیاسی - اجتماعی حکومت اموی محدودیت‌هایی داشتند و فعالیت آنها فراگیر نبود؛ زیرا سیاست عرب‌گرایی و تعصبات نژادی خلفای اموی سبب می‌شد تا علاوه بر آنکه تجارب اداری حکومت‌های مفتوحه را از صافی سنت‌های

۱. سیدو، تاریخ العرب العام، ص ۱۳۱.

۲. جهشیاری، الوزراء و الكتاب، ص ۴۰ و ۴۹؛ ابن خلدون، مقدمه، ج ۲، ۲۸۶ - ۲۸۵، ۲۸۹ و ۲۹۱؛ ولهاوزن، تاریخ الدولة العربیه، ص ۲۷ و ۳۱؛ پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص ۴۵.

۳. اصطخری، مسالک الممالک، ص ۱۴۶؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۵، ص ۵۲۵؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۴۰.

۴. ترنر، وبر و اسلام، ص ۱۵۸.

۵. جهشیاری، الوزراء و الكتاب، ص ۲۸ و ۸۱ - ۸۰؛ ابن خلدون اعتقاد داشت که شمشیر و قلم هر دو مورد نیاز مردان حکومت است، اما شمشیر بر قلم ترجیح دارد و نیاز به آن هم در آغاز حکومت است و هم در زمان ضعف تکیه گاه حکومت. (ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۴۹۰)

۶. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۱۴.

قبیله‌ای گذرانده، فرصتی نیز به مردم مناطق مفتوحه داده نشود تا آنها به فراخور توانایی و استعداد خود بتوانند مملکت را اداره نمایند و بدین ترتیب ساختار قدرت بر نظام اداری تأثیری منفی می‌گذارد. و بر کنترل شدید نظام اداری از سوی مراکز قدرت را به عنوان یکی از علل ناکامی در توسعه بوروکراسی دانسته است؛ زیرا رابطه نظام بوروکراسی با نیروهای بیرونی مانند صاحبان قدرت، یکی از متغیرهای مهم در مطالعه دیوانسالاری است و مهم تر آنکه سازمان اداری، شاخص و معیار تقسیم‌بندی اقتدار سنتی به پدرسالاری و پاتریمونیالیسم بوده است؛^۱ بنابراین محدودیت نخبگان اداری و فراگیر نبودن فعالیت دیوانی آنها که بازوی تشکیلات نظام پاتریمونیالیسم اموی بودند^۲ نیز از موانع ساختاری تکامل و تداوم نظام دیوانسالاری امویان به‌شمار می‌رود.

۳. عوامل اجتماعی

در میان عواملی که تأثیر پایداری در بوروکراتیزه شدن دارد، تأمین نظم و امنیت و رفاه اجتماعی است. تأمین این امور که تا حدی با شرایط اقتصادی ارتباط دارد، در فرایند دیوانسالاری مؤثر است.^۳ بنابراین امنیت و رفاه از جمله پیش شرط و متغیرهای بیرونی اند که جریان تکامل و تداوم دیوانسالاری را به پیش می‌برند.

نابرابری و تضاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه عصر اموی را دگرگون کرد. خاندان اموی که از زمان خلافت دومین خلیفه راشدین مقدمات قدرت‌شان در ناحیه شام فراهم شده بود، با رسیدن به خلافت، سیطره قدرت خود را در تمام جهان اسلام گسترش دادند. بنای حکومت بنی‌امیه بر اصل سیادت و برتری عرب باعث شده بود که حکومت و به دنبال آن وابستگان به نظام حکومتی مردم غیرعرب را بندگان خود دانسته و آنها را از تمام حقوق مدنی و اجتماعی خود محروم نمایند.^۴ گرچه از

۱. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۰ - ۷۹.

۲. جهشیاری، الوزراء و الكتاب، ص ۴۰ و ۶۷؛ ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۴۳؛ بلاذری، فتوح البلدان و احکامها، ص ۲۲۸؛ دستورهای حکومتی هشام بن عبدالملک مبنی بر عدم استفاده از اهل ذمه در امور دیوانی، ضرب سکه‌های اسلامی و تعریب دیوان‌ها گرچه گامی در جهت استقلال اقتصادی و نظام پولی حکومت اسلامی بود، می‌توان آن را به برجسته سازی استمرار سیاست عربی‌گرایی حکام اموی نیز تعبیر نمود، چنان‌که حسان حلاق نویسنده عرب می‌نویسد: «ترجمه دیوان‌ها به عربی گامی بود برای تحقق و تکمیل عربی سازی حکومت و بدین ترتیب حکومت کاملاً رنگ عربی به خود گرفت». (حلاق حسن، دراسات فی تاریخ الحضاره الاسلامیه، ص ۳۵ و ۴۷)

۳. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۳۷.

۴. دینوری، أخبار الطوال، ص ۲۹۳؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۵۵؛ طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۷، ص ۱۶۵ - ۱۶۳.

آغاز فتوح، اشرف و دهقانان ایرانی توانستند با قبول اسلام نفوذ و سیطره خود را حفظ کنند،^۱ اما این طبقه در مقایسه با شمار چشمگیر بومیان غیرمسلمان بسیار اندک بودند و نمی‌توان آنان را در توازن با امیران و خلفایی قرار داد که با رفتار سوء خود دشمنی و تدبیر موالی را علیه حکومت موجب شدند.^۲ موالی، مخالفت با بنی امیه را در دو شاخه متفاوت فعالیت‌های سیاسی و ادبی^۳ آغاز کردند و پس از مدتی با پیوستن به هر جریان مخالف حاکمیت، عزم خود را برای پایان دادن به برتری‌جویی‌های اعراب آشکار نمودند.^۴ به این ترتیب تعصب‌های نژادی امویان علاوه بر موانع جدی در استفاده از دستاوردهای ملل مغلوب، پیامد مهم‌تری نیز در بر داشت و آن شورش‌های پی در پی مردم نواحی فتح شده بود؛ شورش‌هایی که جدا از آنکه سبب تحلیل توان نظامی و سیاسی بنی‌امیه گردید، در نهایت به همراهی گسترده موالی با عباسیان منجر شد.

نارضایتی موالی و کشتار علویان زمینه گسترش اندیشه جدایی ایرانیان و بهره‌گیری رقبای بنی‌امیه از آنها گردید. مخالفت احزاب سیاسی و مذهبی با امویان نه تنها بخشی از توان نظامی و سیاسی خلافت را به خود مشغول کرد و خلفای اموی به جای پرداختن به امور حکومتی، هم خود را صرف مبارزه با آنها کردند؛ بلکه علاوه بر این، نظم و امنیت اجتماعی که تأثیر پایداری در توسعه بوروکراسی داشت، از جامعه رخت بریست.

۴. نظام مالی

وبر معتقد بود که هر یک از انواع اقتدار برای اعمال قدرت از ابزار اقتصادی استفاده نمی‌کند، از طرفی سیادت (سلطه)، در هر موردی قدرت اقتصادی را برای بنیان و تداوم خود لازم می‌داند. از این رو بخشی از تحلیل وی از نظام سیاسی اقتدار سنتی، اختصاص به روابط نظم اقتصادی جامعه و حکومت پاتریمونیال دارد. در واقع حکومت پاتریمونیال برای آنکه بتواند بر قوای گریز از مرکز برتری خود را به دست آورد، درصدد است که اصناف و حکومت‌های محلی در برابر فرامین سیاسی و مالی وی تابع باشند.^۵ بنابراین نظام اقتصادی و تشکیلات مالی از پیش شرط‌های گسترش سازمان اداری و

۱. همان، ج ۴، ص ۶-۵؛ فلوتن، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه، ص ۴۲.

۲. نقل است زمانی معاویه بن ابوسفیان به جهت فراوانی شمار موالی و ترس از نفوذ و تسلط ایشان بر عرب درصدد کشتن آنها برآمد، سمره بن جندب نیز در این امر با خلیفه همفکر بود، اما احنف بن قیس، معاویه را از این کار منصرف کرد. (ابن عبدربه، العقد الفرید، ج ۳، ص ۴۱۵)

۳. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: ممتحن، نهضت شعوبیه.

۴. یعقوبی، التاریخ، ج ۲، ص ۲۹۷، ۳۰۸.

۵. اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۸.

حیطه اقتدار حاکم نظام پاتریمونیالیسم است و با توسعه و روند نظام اداری رابطه بنیادی دارد. تکامل سیاست اقتصادی پیش شرط نظام و تشکیلات اداری مدرن است؛ زیرا پرداخت حقوق (دستمزد)، کارمندان به صورت نقدی است و این نوع پرداخت برای رفتار و سلوک دیوانسالارانه اهمیت بسزایی دارد.^۱

نمونه این امر را می‌توان از همان آغاز حکومت معاویه ملاحظه کرد. با تکیه معاویه بر اریکه قدرت، او تنها به درآمد شام اکتفا نکرد و طبق دستور او والیان ملزم شدند که سهمی به خزانه دمشق ارسال نمایند.^۲ همچنین اهمیت اقتصادی و منابع مالی عراق بود که جدای از مسائل سیاسی، در کوشش عبدالملک بن مروان (۸۵ - ۶۵ ق) برای تصرف این منطقه تأثیرگذار بود.^۳

اما با این حال بایستی به این نکته توجه داشت که درگیری‌های داخلی، قیام و شورش‌های پی در پی تشکّل‌های مذهبی و اجتماعی چون خوارج و موالی غیرعرب، مشکلات سیاسی و نظامی زیادی برای امویان به وجود آورد. چنان‌که حکومت اموی با بحران اقتصادی مواجه گردید. در نهایت نیز وجود مشکلات اقتصادی و ضعف بنیه مالی از عواملی بود که تلاش خلفای اموی را برای تکمیل و استمرار دیوانسالاری گسترده و متمرکز با شکست مواجه کرد.

نظام اداری و تشکیلات دیوانسالاری عباسیان

عباسیان وارثان حکومت اموی، شاخه‌ای از قبیله قریش بودند که توانستند با عنوان جانشینان بر حق^۴ پیامبر بر اریکه قدرت تکیه زنند. نقش رهبری خلفای عباسی، شناخت نسبی آنها از چگونگی ارتباط با داعیان، انسجام درونی و مشارکت جمعی خاندان عباسی، درگیری‌های داخلی امویان، نبود تمرکز اداری و سیاسی قدرتمند، اهمیت جغرافیایی خراسان، مشارکت خاندان‌های عرب طرفدار عباسیان، حمایت گروه‌های غیرعرب که به واسطه سیاست عرب‌گرایی اموی به خدمت عباسیان درآمده بودند، تبلیغات مذهبی علیه امویان و همسویی با علویان از جمله تلاش‌های عباسیان^۴ بود که آنها را در

۱. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۰۸ - ۳۰۷.

۲. دنت، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ص ۶۵.

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۲۳؛ عبدالله بن زبیر از بیعت با یزید خودداری کرد و خود هوای حکومت داشت. با مرگ یزید بن معاویه (خلافت ۶۴ - ۶۰ ق) از آشفتگی اوضاع و خلأ قدرت استفاده نمود و در حجاز ادعای خلافت کرد. وی والیانی به نواحی مختلف فرستاد و توانست با شکست مختارتقفی به سال ۶۷ ق عراق را تصرف کند. ابن‌زبیر برادرش مصعب را به منظور دعوت مردم به خلافت خود و گرفتن بیعت از ایشان به آن ناحیه فرستاد. سرانجام شورش ابن‌زبیر با محاصره حجاز و کشته شدنش به سال ۷۲ ق خاتمه یافت. (طبری، تاریخ‌الرسول و الملوک، ج ۶ - ۵، ذیل حوادث سال‌های ۶۳ تا ۷۲ ق)

۴. عباسیان با ادعای خونخواهی از علویان (واقعه کربلا، قیام زید بن علی و یحیی)، پرچم سیاه را انتخاب کردند. همچنین استفاده از شعار «الرضا من آل محمد» یکی دیگر از اقدامات عباسیان برای همسویی با علویان بود.

رسیدن به اهدافشان یاری داد. گستردگی قلمرو، وجود سازمان اداری، استخدام کارگزاران اداری خارج از خاندان حاکم زمینه‌ای شد که فعالیت نخست خلفای عباسی که خصیصه پدرسالاری داشت، با تشکیل حکومت و تکیه خلفای عباسی بر قدرت سبب تحول سلطه اقتدار سنتی به نظام پاتریمونیا^۱ گردید.

نظام سیاسی پاتریمونیا^۱ صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که در آن خاندان پادشاهی، برای اداره گسترده قلمرو خود قدرت جابرانه را از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌کند. در اندیشه سیاسی وبر، سلطه سنتی پاتریمونیا^۱ حاکمیت، ساختاری مبتنی بر تشکیلات اداری، و نظامی است که گرایش‌های متعدد دارد؛ از جمله به لحاظ ساختاری می‌توان به حاکمیت پاتریمونیا^۱ - بوروکراتیک اشاره کرد. در نظام پاتریمونیا^۱ - بوروکراتیک دو مفهوم متضاد پاتریمونیا^۱ به عنوان نظام سنتی، شخصی و گرایش خودکامه فرمانروا از سویی و سیادت عقلانی غیرشخصی از سوی دیگر وجود دارد. نظام پاتریمونیا^۱ - بوروکراتیک در واقع به دیوانسالاری سنتی در سیادت پاتریمونیا^۱ اشاره دارد که دارای مشخصه‌های ظاهری بوروکراتیک است. اما سلطه پاتریمونیا^۱ - بوروکراتیک با نظام عقلانی - قانونی و غیرشخصی که مبتنی بر قوانین اداری بوروکراتیک است، تفاوت دارد. مفهوم پاتریمونیا^۱ - بوروکراتیک وبر، برای آن گونه از نظام‌های پاتریمونیا^۱ به کار رفته که در ساختار شخصی و ابتدایی پدرسالاری ریشه داشته، اما با گذر به مرحله ثبات، به تدریج تشکیلات اداری و سیاسی پیچیده و گسترده می‌شود؛ به طوری که به تشکیلات بوروکراتیک مدرن شباهت می‌یابد. نظام اداری پاتریمونیا^۱ - بوروکراتیک به سبب سنت‌گرایی، خودکامگی و استبداد شخص حاکم، خاندانی بودن و ضعف ارتباطات مانند بوروکراسی مدرن نیست، اما ویژگی بوروکراتیک بودن آن را از سایر نظام‌های اقتدار سنتی متمایز می‌کند.^۲ طبق نظریه تداوم نظام دیوانسالاری (بوروکراسی) عباسیان وارث نظام اداری امویان بودند که برحسب شرایط و مقتضیات آن را تغییر و توسعه دادند.

پیشتر اشاره شد زمانی که اقتدار سنتی به نظام سیاسی پاتریمونیا^۱ تحول می‌یابد، عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مالی از عوامل تأثیرگذار در تکامل و تداوم دیوانسالاری است. اقتدار سیاسی و قدرت خلیفه عباسی از عواملی بود که متولیان پست‌ها و مناصب مهم سیاسی را

۱. یعقوبی، تاریخ، ج ۱، ص ۱۷۷؛ مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ص ۹۱ - ۹۰؛ کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۳۹ - ۱۳۸؛ برای آگاهی بیشتر از نقش و تأثیر ایرانیان در حکومت عباسی بنگرید به: «نقش دبیران ایرانی در تحول نظام اداری خلافت عباسی»، فرهمندپور و فرخنده زاده، مطالعات تاریخ اسلام، بهار ۹۳، سال ۶، ش ۲۰.

۲. ترنر، وبر و اسلام، ص ۱۵۶.

کنترل می‌کرد. برکناری و قتل داعیان، وزرا و صاحب منصبان سیاسی، اداری و نظامی در عصر اول عباسی حکایت از استبداد، خودکامگی و قدرت خلیفه دارد. علاوه بر این شبکه روابط اجتماعی^۱ در خلافت عباسی که عضویت در آن به روی افراد بیگانه باز بود، زمینه تحولات و دگرگونی‌های سازمان اداری را فراهم کرد. مشارکت عناصر غیرعرب در اداره حکومت به‌ویژه ایرانیان که از بازماندگان طبقه دبیران و حامل سنت‌های ساسانی بودند،^۲ تغییراتی در نظام اداری و سیاسی خلافت^۳ به وجود آورد و چنان‌که پیش‌تر گفته شد، مهم‌ترین آنها انتقال تمدن ایران به حکومت‌های عرب اموی و عباسی بود.^۴ در این دوره علاوه بر ابقاء، تکمیل و توسعه دیوان‌های دوره قبل، دیوان‌های دیگری نیز بنا به نیاز حکومت و در پی گسترش امور دیوانی و اداری تأسیس گردید. پیچیدگی امور اداری سبب شد که بر حسب نیازهای جدید مشاغل جدیدی به وجود آید؛ چنان‌که با گسترش وظایف دبیری منصب وزارت^۵ پدید آمد. تداوم نظام دیوانسالاری ساسانی و استخدام کارمندان اداری از وزرا، دبیران، منشیان و پیدایش دواوینی همانند «توقیع»،^۶ «خاتم»^۷ و «برید»^۸ متغیر دیگری بود که در کنار قدرت سیاسی خلیفه تکامل انسجام نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک خلافت را به وجود آورد؛ زیرا طبق دیدگاه وبر سلطه برای اجرای فرامین به کارکنان اداری نیاز دارد و تشکیلات اداری نیز به سلطه‌ای نیاز دارد که قدرت فرماندهی بر کارکنان اداری را به افراد محول کند.^۹

استبداد خلیفه عباسی که مبتنی بر نظارت شدید بر ساختار سیاسی و سازمان اداری بود، سیاست

۱. روابط اجتماعی عبارت است از عمل متقابل افراد که دارای معنا و مفهومی برای عاملین این روابط است. روابط اجتماعی از نظر وبر یا شبکه باز است یا شبکه روابط بسته و عامل قدرت در روابط اجتماعی اهمیت دارد. (اشرف، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۶۴ - ۶۳)
۲. آربری، میراث ایران، ص ۵۸ - ۵۷.
۳. فرای، عصر زرین فرهنگ ایران، ص ۱۶.
۴. ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۳۱.
۵. به اعتقاد کریستین سن منصب وزارتی که خلفای عباسی ایجاد کردند و در تمام حکومت‌های اسلامی رایج شد، تقلیدی مستقیم از منصب «وزرگ فرمدار» ساسانیان بود. (ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۳۹)
۶. ایرانیان به فن بلاغت توجه بسیار داشتند و توقیعات از جمله ادبیات ایرانیان قبل از اسلام بود و در این زمینه آثار مهم و قابل توجهی تألیف نمودند. (امین، پرتو اسلام، ج ۳، ص ۲۲۳ - ۲۲۲)
۷. ابن قدامه، الخراج و صنعه الکتابه، ص ۵۵.
۸. ایرانیان باستان (هخامنشیان) برای ارتباط سریع و آسان با تمام مراکز اداری چاپار را ایجاد کرده بودند، (جمعی از خاورشناسان فرانسوی، تمدن ایرانی، ص ۳۹ - ۳۸) و تشکیلات چاپارخانه عباسیان با تشکیلات عهد هخامنشی، تفاوتی چندانی نداشت. (کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۱۵۳)
۹. وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۳۱۸.

شبکه روابط اجتماعی باز - مشارکت عناصر غیرعرب در اداره حکومت - و فعالیت‌های علمی و فرهنگی عباسیان در عصر نخست را باعث شد که در واقع زیرمجموعه عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌شمار می‌رود و زمینه رشد فزاینده بوروکراسی (دیوانسالاری) در دوره مورد بحث را موجب شد.

در میان پیش‌شرط‌های یاد شده سهمی برای نظام مالی نیز در نظر گرفته شده است، خلفای عباسی نیز با انحصاری کردن حق وصول مالیات^۱ از طریق تشکیلات دیوانی با محوریت دیوان خراج، و دواوین مالی دیگر مانند اقطاع و نفقات، انواع درآمد و مالیات را وصول می‌کرد که اداره حکومت هزینه‌های سنگینی را می‌طلبید و اداره مؤثر حکومت و تأمین هزینه‌های مالی، نیازمند جریان وسیع مالیات‌گیری و انباشتن خزانه حکومت بود.^۲ از سوی دیگر گردآوری مالیات نیز به وجود حکومتی مقتدر وابسته بود و بدین ترتیب در دوره اول حکومت خلفای عباسی رابطه‌ای دو سویه میان اقتدار حکومت مرکزی و تشکیلات منسجم - اداری مالی برقرار شده بود. توان اقتصادی حکومت به نوبه خود توسعه دیوانسالاری را نیز به دنبال داشت. چنان که وبر در تحلیل روند سلطه اقتدار سنتی، حوزه اقتصادی را دومین گستره و امتداد قدرت حاکم پاتریمونیال دانسته است که با توسعه عطایا و امتیازات در نهایت به رشد تعقل‌گرایی در امور مالی می‌رسد.^۳

نتیجه

در بررسی سیر ساخت دیوانسالاری و تطور اصول اداری قدرت سیاسی، عوامل اقتصادی، تمدنی و اجتماعی تأثیرگذار است. به‌ویژه ساختار سیاسی حکومت و نظام اداری بر مبنای دیدگاه وبر رابطه علی و تأثیر متقابل دارند. البته تأثیرات اصول و مبانی زیرساخت‌های اداری سیال بوده و با یکدیگر

۱. با تشکیل خلافت عباسی سفاح دیوان کل در مرکز خلافت ایجاد کرد و شعبه‌هایی در ایالات دایر نمود و خالد برمکی را در رأس امور مالی قرار داد. (جهشپاری، *الوزراء و الکتاب*، ص ۸۹) با این عمل نظام مالی از نظارت مستقیم خلیفه بیرون آمد و به دست وزیران افتاد، اما منصور در آغاز حکومت خطبه‌ای ایراد کرده است که دیدگاه خلیفه و جانشینان او را در مورد سیاست مالی نشان می‌دهد. او خلیفه را سایه خدا در زمین و صاحب اختیار بیت المال مسلمانان معرفی کرده است: «ای مردم من پادشاه خداوند بر زمین هستم در سایه توفیق او، شما را اداره می‌کنم. من خزانه دار اموال اویم و به مشیت وی عمل می‌کنم، به خواست او اموال را تقسیم می‌کنم و می‌بخشم. خداوند قفل اموال را به من داده است، هر زمان خواست او باشد، برای دادن عطایا و تقسیم اموال دست بگشاید، مرا باز می‌کند و هر زمان اراده کند که مرا قفل کند، پس چنین می‌کند...» (طبری، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۸، ص ۸۹)

۲. از آنجا که مبنای حکومت عباسی نظامی بود، بنابراین این خلفا علاوه بر هزینه‌های اداره قلمرو پهناور خود ملزم به پرداخت مستمری سربازان سپاه و نیز تأمین هزینه‌های لشکرکشی‌های نظامی بودند.

۳. بندیکس، *سیمای فکری ماکس وبر*، ص ۳۶۳؛ ترنر، *وبر و اسلام*، ص ۱۵۵

متداخل است. هنگامی که امویان حکومت خود را تشکیل دادند، به جهت گسترش قلمرو و نیاز حکومت برای اداره مملکت، خلیفه نیازمند آن شد که افرادی بیرون از خاندان خود را به خدمت گیرد. به این ترتیب اقتدار سنتی پدرسالاری امویان با استخدام عناصر غیرعرب و بهره‌گیری از تشکیلات اداری به نظام سیاسی پاتریمونیال تحول یافت، اما تکامل تشکیلات دیوانسالاری دودمان اموی با موانع همراه شد. قدرت سیاسی، امنیت اجتماعی، دگرگونی‌های تمدنی و رفاه اقتصادی که در استمرار بوروکراسی از عوامل تأثیرگذار است، به سبب آشفتگی‌های داخلی، کشمکش سیاسی، اختلافات مذهبی و نابرابری اجتماعی که ضعف منابع مالی حکومت را هم به دنبال داشت، تکامل و تداوم نظام بوروکراسی متمرکز در خلافت امویان را ناکام گذارد.

در مقام مقایسه خلفای عباسی بعد از تلاشی مستمر با ایجاد شبکه‌ای منظم از داعیان و تبلیغات گسترده در نهایت توانستند قدرت را به دست گیرند. در عصر اول عباسی به سبب استبداد و خودکامگی خلیفه، انحصارطلبی، استخدام عناصر غیرعرب در اداره مملکت، گسترش دیوانسالاری، به خدمت گرفتن نیروهای نظامی با خاستگاه غلامی - که ابزار قدرت خلیفه بود - حکومت پاتریمونیالیسم عباسی مشخصه نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک گرفت. قدرت سیاسی خلافت، گسترش و پیچیدگی امور اداری، توسعه دیوان‌های اداری و مالی، ایجاد مناصب دیوانی مانند وزارت، تنظیم وظایف برحسب سلسله مراتب اداری، تقسیم مسئولیت‌ها و تعقل‌گرایی، گسترش وظایف دبیری و نقش مؤثر امور مالی تکامل و تداوم تشکیلات بوروکراسی - که از ابزارهای اقتدار سیاسی خلافت بودند - را به دنبال داشت.

منابع و مأخذ

۱. آربری، آرتور، میراث ایران، ترجمه احمد بیرشک، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۲. ابن اثیر، ابوالحسن علی، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
۳. ابن حوقل، محمد، مسالک الممالک، بیروت، دار صادر، ۱۹۳۸ م.
۴. ابن خلدون، محمد بن عبدالرحمان، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲.
۵. ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبای، الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیه، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۴۱۴ ق.
۶. ابن عبدربه، احمد، العقد الفرید، بیروت، دارالکتب العلمی، ۱۴۱۱ م.
۷. ابن ندیم، محمد، الفهرست، تهران، انتشارات ابن سینا، بی‌نا.

- ۱۲۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۷، تابستان ۹۵، ش ۲۳
۸. اجتهادی، ابوالقاسم، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
۹. اشرف، احمد، جامعه‌شناسی ماکس وبر، تهران، نشر هومن، ۱۳۵۷.
۱۰. اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، مسالک الممالک، تهران، انتشارات کتابخانه صدر، بی تا.
۱۱. امین، احمد، پرتو اسلام، ترجمه عباس خلیلی، تهران، کتابخانه مجلس، ۱۳۱۵.
۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۲ م.
۱۳. بندیکس، رینهارد، سیمای فکری ماکس وبر، ترجمه محمود رامبد، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۲.
۱۴. پطروشفسکی، ایلیا، اسلام در ایران، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام، ۱۳۵۱.
۱۵. ترنر، برایان - اس، وبر و اسلام، ترجمه حسین بستان و دیگران، قم، انتشارات حوزه و پژوهشگاه، ۱۳۸۸.
۱۶. جمعی از خاورشناسان فرانسوی، تمدن ایرانی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
۱۷. جهشیاری، ابوعبدالله محمد بن عبدوس، الوزراء و الکتاب، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الآبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، قاهره: مطبعه البابی الحلبی و اولاده، ۱۳۵۷ ق / ۱۹۳۸ م.
۱۸. حسن، حسین الحاج، حضاره العرب فی العصر الاموی، بیروت، مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر، ۱۹۹۴ م.
۱۹. حلاق، حسن، دراسات فی تاریخ الحضاره الاسلامیه، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۴.
۲۱. دینوری، ابوحنیفه، أخبار الطوال، قاهره، منشورات الرضی، ۱۹۶۰ م.
۲۲. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۳. سیدیو، لوئیز، تاریخ العرب العام، ترجمه عادل زعیترا، بی جا، مطبعه عیسی البابی حلبی، ۱۹۶۹ م.
۲۴. صبوری، منوچهر، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۰.
۲۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، التراث العربی، بی تا.

واکاوی تأثیر متقابل نظام اداری و ساختار قدرت در دوره امویان ... □ ۱۲۷

۲۶. عمری، ابن فضل الله، *التعريف بالمصطلح الشريف*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. فرای، ریچارد، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، سروش، ۱۳۵۸.
۲۸. فرهمندپور، فهیمه و محبوبه فرخنده زاده، «نقش دبیران ایرانی در تحول نظام اداری خلافت عباسی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، بهار ۱۳۹۳، سال ۶، ش ۲۰.
۲۹. فلوتن، فان، *تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه*، ترجمه مرتضی حائری، تهران، اقبال، ۱۳۵۲.
۳۰. قدامه بن جعفر، ابوالفرج، *الخراج و صنعه الکتابه*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
۳۱. کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۸۷.
۳۲. ماوردی، ابوالحسن علی، *احکام السلطانیة و الولايات الدینیة*، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
۳۳. مسعودی، ابوالحسن علی، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تصحیح شارل پلا، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. مکی، محمد کاظم، *تمدن اسلامی در عصر عباسیان*، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۳۵. ممتحن، حسینعلی، *نهضت شعوبیه*، تهران، بی نا، ۱۳۵۴.
۳۶. وبر، ماکس، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۳۷. ولهاوزن، یولیوس، *تاریخ الدولة العربیة*، باریس، داریلیون، ۱۳۷۷.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب واضح، *التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۶۰ م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی